

## دوست

عمری است سر خوشیم به لطف و صفای دوست !  
پر می زند به سینه دلم در هوای دوست !

از خلق روزگار بریدیم تا شدیم  
مفتون و بی قرار رخ با صفای دوست !

دیگر هوای گشت و گذاری نمانده است  
تا سر نهاده ایم به مهر و وفای دوست !

بر آسمان رسید سر از فخر و اشتیاق  
گشتیم تا بدون ریا خاک پای دوست !

بیگانه گشته ایم ز عالم ز روی عمد  
تا یافتیم راه به خلوت سرای دوست !

پایند هیچ مهر و وفائی نمانده ایم  
ز آن دم که گشت کودک دل مبتلای دوست !

بر ما هر آنچه می رسد از دوست سرخوشیم  
در کیش عاشقی نبود جز رضای دوست !

رضا شاپوریان  
پنجشنبه ۳ سپتامبر ۱۹۹۸